

هانری گرین

معبد  
فی  
مکاشفه

ترجمه انشاء الله رحمتی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار مترجم .....	۱۱
۱- از ترس آگاهی تا غربت آگاهی .....	۱۱
۲- راز هبوط .....	۲۶
۳- نفوس فلکی و همانندی آنها با نفوس بشری .....	۴۰
۴- جهان‌شناخت و رمزپردازی .....	۷۳
۵- مثال معبد .....	۹۶
<b>فصل اول: معبد صابئین و مذهب اسماعیلیه</b>	
یک. مناسک صابئین و معبد روحانی .....	۱۱۱
۱- معبد روحانی .....	۱۱۱
۲- عبادت صابئی و فرشته‌شناخت .....	۱۱۷
۳- خاستگاه متعالی مناسک .....	۱۲۶
۴- عبادت دینی و عبادت فلسفی .....	۱۳۳
دو- تأویل اسماعیلیه از عبادت .....	۱۳۸
۱- اعیاد و عبادات اخوان‌الصفاء .....	۱۳۸
۲- عبادت باطنی و شهود شخصی - مثال اعلا .....	۱۵۰
پی‌نوشت‌های فصل ۱ .....	۱۶۵
<b>فصل دوم: تصویر [یا پیکره] خانه کعبه به منزله اسرار حیات معنوی براساس اثری از قاضی سعید قمی (۱۶۹۱/۱۱۰۳)</b>	
یک- صورت‌های روحانی .....	۱۸۷

- الف) الهیات معبد در یهودیت فلسطینی ..... ۳۳۰
- ۱- تمجید معبد ..... ۳۳۱
- ۲- امید به معبد آینده ..... ۳۳۳
- ۳- شاخه تازه روئیده بر کوه ..... ۳۳۳
- ۴- معبد آسمانی [یا ملکوتی] و احیاء کیهانی ..... ۳۳۶
- ب) الهیات معبد در یهودیت یونانی مآبی ..... ۳۳۹
- ۱- هفتادگانی ..... ۳۴۰
- ۲- نامه آریستئاس ..... ۳۴۰
- ۳- کتاب دوم مکابیان ..... ۳۴۱
- ۴- معبد لئونتوپولیس ..... ۳۴۲
- ۵- سروش های سییلیایی ..... ۳۴۳
- ۶- فیلون ..... ۳۴۳
- ۷- مایستر اکهارت ..... ۳۴۸
- ۸- رابرت فلاد ..... ۳۵۰
- پنج - معبد روحانی و جامعه قمران** ..... ۳۵۱
- ۱) نقادی معبد اورشلیم ..... ۳۵۲
- ۲- رمز پردازی معبدنوبین ..... ۳۵۵
- ۳- رمز پردازی رویش، آب و کوه بلند ..... ۳۵۹
- ۴- مناسک آسمانی و معاد محقق شده در درون ..... ۳۶۱
- شش - مثال معبد و شهبواری معبدی** ..... ۳۶۹
- ۱- پرسش های مطرح شده بر مبنای «از قبل» و «نه هنوز» ..... ۳۶۹
- ۲- الهیات معبد و الهیات کلیسا ..... ۳۷۱
- ۳- آیا همه چیز تمام شده است؟ ..... ۳۷۲
- ۴- تجلیات خدا و تجلیات مسیح در مناسک ..... ۳۷۵
- ۵- طریقت باطنی مسیحی و سنت معبدی ..... ۳۸۰

- ۳۸۷ ..... ۶- پیوند معبدی «معطوف به گذشته ازلی»
- ۳۹۷ ..... ۷- پیوند معبدی «معطوف به آینده ابدی»
- ۴۰۴ ..... **هفت - معبد و معبدیان جام**
- ۴۰۵ ..... ۱- توصیف معبد جام مقدس
- ۴۰۸ ..... ۲- تطابق‌ها
- ۴۱۰ ..... ۳- الهیات معبد جام مقدس
- ۴۱۸ ..... **هشت - مثال معبد و «فرزندان درّه»**
- ۴۱۸ ..... ۱- نقادی معبد
- ۴۲۱ ..... الف- شهسواران در قبرس
- ۴۲۲ ..... ب- برادران صلیب
- ۴۲۲ ..... ۲- «فرزندان درّه»
- ۴۲۶ ..... ۳- به سوی معبد نوین
- ۴۲۹ ..... **نه - اورشلیم نوین. سویدنبرگ**
- ۴۲۹ ..... ۱- معبد آسمانی و اورشلیم نوین
- ۴۳۱ ..... ۲- از معبد حزقیال تا شهر- معبد یوحنا
- ۴۳۴ ..... ۳- «کلیسای نوین» در سویدنبرگ
- ۴۳۶ ..... معبد و مکاشفه
- ۴۴۳ ..... **پی‌نوشت‌های فصل ۳**
- ۴۷۷ ..... واژه‌نامه خارجی - فارسی
- ۴۸۳ ..... واژه‌نامه فارسی - خارجی
- ۴۸۹ ..... نمایه

## یک. مناسک صابئین و معبد روحانی

### ۱- معبد روحانی

مسعودی مورخ (قرن ۱۰/۴) در فصلی از *مروج الذهب*، که موضوع بحث آن فصل توصیف بناهای مذهبی صابئین است،<sup>۱۱</sup> می‌نویسد که در اقصای چین معبدی بسیار مرتفع وجود دارد. این معبد هفت در دارد و یک گنبد هفت ترک برایش قرار گرفته است. بر بالای گنبد گوهر گرانبهایی بزرگ و درخشان هست که همه اطراف از آن روشن است. هر کس تاده ذراعی آن پیش رفته، از پا در افتاده و جان داده است. نیزه‌های افکنده شده به سوی معبد به مهاجمان بازگشته است (و اگر خواسته‌اند این گوهر را به چیز درازی چون نیزه و امثال آن بگیرند، چون به ذراعی رسیده، برگشته و از کار افتاده...)<sup>۱۱</sup>. در این معبد چاهی هست، که بالای آن هفت ترک است و چون انسان سر در آن چاه کند در آن سرنگون شود و از سر به ته چاه افتد. با این همه، در آنجا کتیبه‌ای هست که بر آن نوشته شده است این چاه به کتابخانه می‌رسد که تاریخ علوم زمین و آسمان، تاریخ آنچه بوده و خواهد بود، در آن است: «اما کسی باید برای وصول بدانجا و استفاده از آن بکوشد که به قدرت و علم و حکمت هم سنگ ما باشد.» زمین این معبد، یک سنگ سخت است، به سختی یک کوه مرتفع است. و چون کسی این معبد و چاه را ببیند دل‌بسته آن شود و از تباهی آن غمین شود و از ویرانی آن یا غمی فسمتی از آن تأسف خورد.»<sup>۱</sup>

پنی است که تعریف این معبد در قلمرو باستان‌شناسی محض قرار می‌گیرد. در متون عربی در زمینه عرفان، ذکر چین به معنای پایان [یا حد] عالم

بشری یعنی پایان عالمی است که آدمی قادر است تحت شرایط آگاهی معمول خویش در باره‌اش تحقیق کند.<sup>[۲]</sup> مسعودی علاوه بر این به توصیف معبد دیگری می‌پردازد که این نیز در همان محدوده قرار دارد:<sup>[۳]</sup> این معبد به هفت خانه تقسیم شده و هر خانه هفت پنجره دارد که در برابر هر پنجره تصویر یا تندیس قرار گرفته است.<sup>۱</sup> اینها به ترتیب به صورت‌های سیارات پنج‌گانه و دو ستاره بزرگ [یعنی خورشید و ماه] تعلق دارند و هر تصویر [یا تندیس] از جوهر و رنگ منسوب به آن ستاره یا سیاره (یا قوت، عقیق، زمرد) ساخته شده است و این رنگ یا جوهر، منطبق با عمل ستاره یا سیاره‌ای است که نماینده آن است. همه تصویرهای عرفانی و کیمیاوی از معبد صابئین همین شکل معماری را حفظ می‌کنند.<sup>[۴]</sup> هماهنگ با همین است که سهروردی در *قصة الغرابة الغریبه* سالکی را معرفی می‌کند که در قعر چاه ظلمت فرو افتاده بود و بر روی این چاه قصری بود، طبقاتش یکی بر روی دیگری بود و تا اوج آسمان می‌رسید. برای رسیدن به این قصر و دستیابی به «شهود زمردین» از طریق باروهای شهر آسمانی، عارف باید معیارهای روز و شب را وارونه کند. به عبارت دیگر، اعماق ظلمت چاه چیزی جز روز آگاهی متعارف نیستند.<sup>[۵]</sup>

شکل معماری این معبد با هفت خانه و هفت تندیس، که در آن آدمی از قعر چاهی فوق‌العاده عمیق بیرون می‌شود، بدیهی است که در نقطه‌ای از نقاط عالم در قالب مادی [و جسمانی] محقق شده است. به هر تقدیر، قوانین آن، همان قوانین حاکم بر معماری معنوی معابد صابئین است که هر یک از آنها باید بازآفرینی یک معبد آسمانی باشد و مؤمن باید از طریق مکاشفه در شکل آن و با کمک مناسک مخصوصی، به سوی شخص فرشته‌مدر آن ستاره، هدایت شود. اما این موضوع که آیا باستان‌شناسی در جایی قادر است بقایای آن معبد را شناسایی کند یا نه، چندان مایه دلمشغولی ما نیست. آنچه اهمیت دارد، تمثیل معنوی این یادمان‌های آئینی است که نفس، صورت جهان<sup>۲</sup> خویش را در قالب شکل معماری‌شان تصویر می‌کند و از اینجا می‌کوشد تا تمامی جزئیاتش را باطنی کند، یعنی از طریق تأملی که بدین سان توانایی ساختن عالم صغیر

خودش را به وی می‌دهد، آن را با جوهر خویش همگون سازد.<sup>[۶]</sup> به این معنا، معبد صابئین بالاتر از همه یک معبد مثالی است. قاعده مناسک در کتیبه‌ای که طنین افلاطونی دارد، به بهترین وجهی تعریف شده است؛ مسعودی در سال ۳۳۲ هجری، هنوز می‌توانست این کتیبه را بر دروازه بزرگ معبد حرّان بخواند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ تَأَلَّهَ»، «هر کسی که خویشتن را شناخت، به خدایی رسید».<sup>[۷]</sup> (ص ۵۹۹)

این معبد مثالی خود یک آستانه است، همان آستانه رابط میان معبد آسمانی و معبد نفس. به اعتبار آنکه، این معبد یک عمارت مادی است که بر صورت ستاره یا معبد آسمانی، ساخته شده است، بنابراین معبدی است که به عمارت روحانی درون می‌رسد. به دلیل آنکه به اصل [یا مبدأ] بازمی‌گردد، به تمام معنا تصویر و تأییدی است برای همان فعالیت نفسانی که در زبان عربی با اصطلاح فنی تأویل از آن تعبیر کرده‌اند. این تأویل به معنای نوعی *exegesis* است، که در عین حال نوعی *exodus*، نوعی به در شدن [و عزیمت] نفس به سوی نفس کلی، است. در اسلام، تأویل، «بازگشت تأویلی *exegetic* به اصل»، به معنای عمل به قانون رفتن به باطن، فعلیت بخشیدن تطابق‌های رمزی در عرصه تجربه است و از آنجا که این قانون محرک فطری و مبنایی روان دینی است، بنابراین تفسیرهای اهل معنا در همه جوامع را به غایت واحدی می‌رساند. در اسلام، تأویل به دست باطنی‌ها یا «اهل باطن» در همه مسلک و مرام‌ها اجراء شده است. و از آنجا که تأویل را بالاتر از همه در عرصه کیمیا به کار بسته‌اند اثر تأویل تبدل مناسک ظاهری به مناسک معبد روحانی است.

از گفتگویی که شهرستانی مورخ ادیان (قرون ۱۱/۵ و ۱۲/۶) در مقدمه اثر *سجورش الملل و النحل* آورده است، آشکار است که ایدئولوژی معبد صابئین، مرحله‌ای اساسی در این تبدل است. بدین معناست که به این وسیله می‌توان در سطح تدبیر از تصویر معابد یاستارگان (هیاکل) که در افلاک نجومی نقش و به صورت رمزی در معماری معابد زمینی بازآفرینی شده‌اند، به تصویر یک معبد روحانی منتقل شد؛ این معبد روحانی از طریق ادغام [یا یکپارچگی] نفوس که برجای ستارگان به منزله قوایل و تمثال‌های جواهر نوری محض قرار می‌گیرند، ساخته شده است. صابئی‌ها هیاکل آسمانی را تحت تدبیر فرشتگانی می‌دانستند که به